

# شلاق زدن به کارگران، جنایتی دهشتناک!

حسن جداری

خبر کوتاهی انتشار می یابد. حکم شلاق، درمورد 17 تن از کارگران معدن طلای "آق تپه" تکاب در آذربایجان غربی، در روزهای آخر ماه گذشته، توسط ماموران جنایت کار رژیم شکنجه و کشتار، اجرا شده است! این خبر تکان دهنده، امکان ندارد نفرت و انزجار هر انسان شریف و آزاده ای را متوجه رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی نکند. جرم این کارگران شلاق خورده که هم جریمه شده اند و هم ضربه های شلاق را تحمل کرده اند، چیزی جز آزادمندی و اعتراض به اخراج 350 تن از کارگران این مجتمع صنعتی نبوده است. در ایران تحت سلطه رژیم آزادیکش جمهوری اسلامی، 37 سال تمام است هرگونه حرکت اعتراضی کارگران، با زندان و شلاق و شکنجه و سربه نیست کردن، پاسخ داده میشود. برای رژیم قرون وسطائی تبه کاری که با زور سرنیزه در ایران حاکم است، سنگسار زنان، بریدن دست و دیگر اعضای بدن، شلاق زدن کارگران، تجاوز به زندانیان سیاسی و کشتن مبارزین تحت وحشیانه ترین شکنجه ها، امری عادی بشمار می آید. این یک واقعیت است که در آزادی کشی و فساد و فریبکاری، کمتر رژیمی در دنیا به پای رژیم جمهوری اسلامی میرسد.

+++++

در ایران تحت سلطه رژیم خودکامه جمهوری اسلامی، درحالی که سردمداران رژیم از هر جناح و دسته، این دزدان سرگردنه و این دشمنان قسم خورده توده های زحمتکش، در نتیجه استثمار بی حد و حصر کارگران و کلاشی و ارتشاء و دزدی از اموال عمومی، همه ساله میلیاردها تومن به جیب زده، در کاخ های سر به فلک کشیده اعیانی، در تجمل و اشرافیت غیر قابل تصور، زندگی میکنند، در شرایطی که آخوند های فاسد و تبه کار، سران سپاه پاسداران، آقا زاده ها و میلیادرهای غرق در فساد و تباهی، در غارت هستی توده ها حد و مرزی نمی شناسند، میلیون ها خانواده کارگری، در فقر و فلاکت غیر قابل تصور زندگی کرده و با انواع محرومیت ها و ستمدیدی ها روبرو می باشند. کارگران، به ویژه کارگران زن و کودک، در ازای کار طاقت فرسای روزانه، نازل ترین دستمزدها را دریافت داشته و از لحاظ معیشتی، بهداشت و مسکن، سخت در مضیقه می باشند. میلیون ها کارگر در ایران از حق بیمه، محروم بوده و در مقابل بیماریهای گوناگون، کوچک ترین مصونیتی ندارند. در کارخانه های قالی بافی، پارچه بافی و در دیگر کارگاه ها، کودکان به سن مدرسه در شرایط فقدان ابتدائی ترین شرایط بهداشتی، در ازای دریافت کمترین دستمزدها، از سپیده صبح تا شام، مشغول جان کندن می باشند! هر روز بر تعداد بیشمار کارگران اخراجی در نقاط مختلف کشور، افزوده میشود. میلیون ها تن کارگر بیکار در تهران و شهر های دیگر، در چنگ فقر و گرسنگی و بی خانمانی، اسیرند.

+++++

رژیم ضد کارگری، اخیراً اعلام کرده است که در سال جاری، حد اقل دستمزد کارگران، 811 هزار تومان در ماه خواهد بود! معلوم نیست با این دستمزد ناچیز، یک عائله کارگری در کشوری که در آن هر روز بر نرخ تورم افزوده میشود، چگونه می تواند زندگی کند؟ ستمدیدگی طبقه کارگردر ایران، چه ابعاد گسترده ای دارد! رژیم غارتگر ضد کارگری که از تشدید مبارزات عادلانه طبقه کارگر سخت احساس وحشت می کند، با توسل به حربه زور و ترور میکوشد فریاد حق طلبانه کارگران را در گلو خفه ساخته و دامنه فعالیت های سندیکائی و حرکتیهای اعتراضی آنها را هرچه محدودتر سازد. در روزهای قبل از انقلاب بهمن 57، خمینی فریبکار به منظور جلب حمایت کارگران و توده های زحمتکش، در مخالفت با کاخ نشینان و اعیان و اشراف، دروغ ها بهم بافته و شیادانه خود را حامی و طرفدار محرومان و کوخ نشینان، نشان میداد. اما وقتی که این شیاد فریبکار و اعوان و انصار ارتجاعی وی بر اریکه قدرت سوار شدند، همه وعده و وعیدهای روزهای قبل از انقلاب را فراموش کرده و با حمایت از صاحبان مال و دارائی و کارفرمایان و سرمایه داران زالو صفت، ماهیت ننگین خود را به مثابه نمایندگان سرمایه داران خون آشام و دشمنان قسم خورده کارگران و زحمتکشان، آشکار ساختند. شیادانی که تا دیروز دلسوزانه از کوخ نشینان و " مستضعفین " یاد کرده و خود را مخالف سرسخت کاخ نشینان معرفی میکردند، به کاخ نشینان مفت خور و استثمارگر تبدیل شدند و به منظور حفظ سلطه جنایتکارانه خود، به بیرجمانه ترین وجهی، به سرکوب مبارزات کارگران، زنان به پاخاسته، خلق های تحت ستم و روشن فکران انقلابی پرداختند. آنها با حمایت کامل از منافع سرمایه داران و کارفرمایان و پایمال و لگدکوب ساختن حقوق انسانی توده های زحمتکش، به وضوح نشان دادند که هر عبارتی که در روزهای قبل از انقلاب در زمینه هواداری از تپی دستان و احترام به آزادی و دموکراسی بر زبان می آوردند، نیرنگ و فریبی بیش نبود. رژیم جمهوری اسلامی از همان روزهای نخستین موجودیت پوشالی خود، نشان داد که " رژیم دشمن زحمتکشان کوخ نشین رژیم کاخ نشینان پست و غدار است." از همان ابتدای به چنگ آوردن قدرت سیاسی، رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی از هیچ دشمنی و فرومایگی نسبت به طبقه کارگر، خود داری نکرده است. در زیر سلطه مرگبار این رژیم غارتگر، کلیه حقوق انسانی کارگران از آنها سلب شده است. کارگران از حق تشکیل سندیکاها، آزاد محروم بوده و حرکتهای اعتراضی صنفی و سیاسی آنها، همواره به شدت سرکوب شده است. این خود یکی از درسهای مهم انقلاب شکست خورده بهمن 57 است که کارگران و زحمتکشان هرگز نباید فریفته وعده و وعیدهای سر خرمن نمایندگان بورژوازی، نظیر خمینی فریبکار و شیاد، باشند.

+++++

در طول 37 سال گذشته، تعداد بیشماری از فعالین کارگری و آنهایی که در جهت تشکیل سندیکاها، آزاد کارگری فعالیت می کنند، به زندان افتاده و به وحشیانه ترین وجهی شکنجه شده اند. همین چند ماه پیش بود که مامورین جنایتکار رژیم، شاهرخ زمانی، کارگر کمونیست زندانی را در زیر شکنجه های قرون وسطائی، به قتل رساندند. اما با تمام سخت گیری ها و اعمال سرکوبگرانه رژیم خودکامه، مبارزه سهمگین و حق طلبانه کارگران در طول ده ها سال بدون وقفه علیه این رژیم ضد مردمی، ادامه داشته است. کارگران با شرکت در تظاهرات خیابانی و سر دادن فریاد های عصیان طلبانه، علیه ستمدیدگی و استثمار بیرحمانه اعتراض کرده و عزم راسخ خود را در ادامه

هر چه قدرتمند تر مبارزه در جهت کسب حقوق حقه انسانی، نشان داده اند. شلاق زدن کارگران مبارز معدن " آق تپه"، بار دیگر، نهایت دشمنی کینه توزانه رژیم شکنجه و اعدام را با طبقه کارگر محروم و مبارز آشکار میسازد. از روزی که خبر شلاق خوردن 17 کارگر " آق تپه" در رسانه های عمومی انتشار یافته، موجی از همدردی با کارگران و کینه و تنفر علیه رژیم جمهوری اسلامی، این دشمن بی امان کارگران و توده های زحمتکش ایران، به وجود آمده است. باید با تلاش و کارافشاگرانه و خستگی ناپذیر نیروهای انقلابی و مدافع منافع طبقه کارگر، جنایت دهشتناک رژیم در شلاق زدن کارگران معدن " آق تپه"، در سطح وسیعی پخش و تبلیغ گردیده و ماهیت عمیقاً ضد کارگری و ضد دموکراتیک این رژیم ارتجاعی، هرچه گسترده تر فاش و بر ملا شود.

خرداد ماه 1395